مجلس و دولت چه می کنند؟

تصویب چراغ خاموش گسترش مناطق آزاد

ضربه مهلک به تولید ملی

هفته پیش در حالی که کشور درگیر افزایش نرخ بنزین بود و التهابات ناشی از جولان اغتشاشگران، فضای روانی افکار عمومی را دچار نگرانی کرده بود، مجلس با چراغ خاموش اقدام به تصویب لایحه گسترش مناطق آزاد کرد و حتی شروط ۱۵گانه خود را هم که سال ۹۵ به‌عنوان پیش‌شرط تصویب این لایحه تعیین کرده بودند را نادیده گرفتند!

به گزارش مهر، تبدیل لایحه ایجاد و اصلاح مناطق آزاد و ویژه به قانون (فارغ از مخالفت شورای نگهبان) با اظهارنظر هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام مبنی بر مغایرت با بند۱۱ و ۱۷ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و همچنین بند۱ جزء «د» سیاست‌های کلی آمایش سرزمین، مواجه بوده و از قرار معلوم ۳گانه ایرادات هیئت نظارت به قوت خود باقی است.

به دنبال اصلاح و تصویب لایحه ایجاد ۸ منطقه آزاد جدید در روز دوشنبه ۲۷ آبان، واکنش عجولانه دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی در گنجاندن اسامی این مناطق در وب‌سایت دبیرخانه، بار دیگر از تمرکز و اصرار مسئولان دبیرخانه مناطق آزاد بر توسعه کمی حداکثری این مناطق پرده برداشت.

لایحه مذکور درست در زمانی در مجلس شورای اسلامی تصویب شد که پس از بالاگرفتن نگرانی درباره عواقب اجرای طرح مدیریت مصرف سوخت در سطح جامعه، افکار عمومی چشم انتظار چاره‌اندیشی بهارستانی‌ها برای کنترل پیامدهای افزایش شدید نرخ بنزین بود.

مجلس به شروط ۱۵گانه خود هم پایبند نماند

مجلس شورای اسلامی در حالی که جامعه درگیر افزایش نرخ بنزین بود و التهابات ناشی از جولان اغتشاشگران، فضای روانی افکار عمومی را دچار نگرانی کرده بود، با چراغ خاموش اقدام به تصویب لایحه مذکور کرد و حتی شروط ۱۵گانه‌ای که سال ۹۵ به عنوان پیش‌شرط تصویب این لایحه تعیین کرده بود را نادیده گرفت و با این اقدام، اصلاح قانون مادر مناطق آزاد و ویژه اقتصادی هم عملا به بایگانی کمیسیون اقتصادی سپرده شد.

محمدرضا پورابراهیمی، مردادماه سال ۹۵ که رئیس وقت کمیسیون اقتصادی مجلس بود، در سخنانی در صحن علنی مجلس گفت که این کمیسیون برای افزایش مناطق آزاد ۱۵ شرط دارد.

این شروط شامل این موارد بود: تامین زیرساخت قبل از ایجاد مناطق آزاد، خروج محدوده مناطق آزاد از محدوده‌های مسکونی، حذف معافیت کالای همراه مسافر، بهبود و کاهش وسعت مناطق آزاد، تعیین دقیق نقشه مناطق آزاد، تایید نقشه توسط هیئت وزیران، انتقال ساختار مناطق آزاد به وزارت اقتصاد، قطع درآمد مناطق آزاد از واردات کالا، اصلاح مقررات ارزی، اخذ مجوز از نهادهای مربوطه نظیر محیط زیست و...، عدم تجمیع و تعدد مناطق آزاد و ویژه در یک محدوده جغرافیایی، تامین منابع مالی از سوی دولت متناسب با میزان صادرات، فنس شی کامل و استقرار گمرک، هدفمند کردن امتیازات و معافیت‌های مناطق آزاد (معافیت مالیاتی و معافیت حقوق ورودی) به سمت تولید و صادرات، و اصلاح ضوابط واگذاری (زمین و منابع و...).

منطقه آزاد تجاری، مهم‌ترین مطالبه کدام مردم؟!

در کنار بی‌تفاوتی مجلس به شروط ۱۵گانه خود، برخی مسئولان استانی نیز در شرایطی که جامعه در تب و تاب قیمت بنزین بود، مناطق آزاد را مهم‌ترین مطالبه مردم معرفی کردند؛ به فاصله کمتر از یک هفته از تصویب لایحه مذکور، هوشنگ بازوند، استاندار کرمانشاه در نشست ستاد اقتصاد مقاومتی روز شنبه سوم آذر استان کرمانشاه، با اشاره به تصویب لایحه ایجاد مناطق آزاد جدید در مجلس گفت: تبدیل قصرشیرین به منطقه آزاد تجاری یکی از مهم‌ترین مطالبات مردم استان کرمانشاه طی چند سال اخیر بوده که خوشبختانه در دولت تدبیر و امید این مطالبه محقق شد.

بازوند تصریح کرد: مجلس شورای اسلامی ایرادات شورای نگهبان درخصوص لایحه ایجاد مناطق آزاد تجاری را برطرف کرد و دو روز پیش رسماً قصرشیرین تبدیل به منطقه آزاد تجاری شد!

بی‌توجهی به اظهارنظر شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام

نکته حائز اهمیت و تأمل‌برانگیز، درباره اقدامات پیش‌دستانه اخیر مبنی بر قطعی دانستن افزایش مناطق آزاد تجاری- صنعتی، بی‌توجهی به ضرورت تأیید شورای نگهبان بر مصوبه جدید مجلس است؛ حال آنکه در کارنامه پرحاشیه ایجاد مناطق آزاد جدید، سابقه مخالفت شورای نگهبان، به جهت حجم گسترده تغییرات مصوبه مجلس نسبت به لایحه اولیه دولت به چشم می‌خورد؛ تا جایی‌که به جای ۱۲منطقه ویژه اقتصادی پیشنهادی دولت، ۱۰۳منطقه ویژه از سوی مجلس به تصویب رسیده بوده است!

مناطق آزاد تجاری_صنعتی و ویژه اقتصادی فعلی در تحقق اهداف تأسیس‌شان وامانده‌اند لذا ارائه گزارش قابل دفاع از عملکرد مناطق فعلی در ازای مشوق‌های اعطا شده بر هرگونه طرح‌های توسعه‌ای این مناطق تقدم دارد.

مرور سوابق لایحه ایجاد منطقه آزاد تجاری- صنعتی، اصلاح محدوده ۳ منطقه آزاد تجاری- صنعتی و ایجاد مناطق ویژه اقتصادی نشان می‌دهد، پس از تصویب لایحه مذکور در مجلس، شورای نگهبان در ۱۴مهر۱۳۹۷ طی نامه‌ای به رئیس مجلس شورای اسلامی مصوبه مزبور را مغایر با اصل ۷۴ دانسته و برابر اصل ۱۱۰ قانون اساسی، نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام را نیز به مجلس ارسال می‌کند.

از سوی دیگر، هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام با ارسال نظر خود به شورای نگهبان در اول مهر۱۳۹۷، درباره لایحه ایجاد و اصلاح مناطق آزاد و ویژه ۳ محور حائز اهمیت را مطرح می‌کند. از این‌رو، تبدیل این لایحه به قانون (فارغ از مخالفت شورای نگهبان) با اظهارنظر هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام مبنی بر مغایرت با بند ۱۱ و ۱۷ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، همچنین بند۱ جزء «د» سیاست‌های کلی آمایش سرزمین، مواجه بوده و از قرار معلوم ۳گانه ایرادات هیئت نظارت به قوت خود باقی است.

بانک: حذف معافیت‌های مالیاتی مناطق آزاد در هیچ محفل رسمی دولتی و قانون‌گذاری مطرح نیست!

نتایج مرور اظهارنظرها و مداخلات حامیان و مدافعان مناطق آزاد در مسیر قانون‌گذاری این مناطق به همین جا محدود نمی‌شود. چندی پیش و در میانه بررسی پیامدهای معافیت مناطق آزاد از قانون مالیات بر ارزش‌افزوده از سوی نمایندگان خانه ملت، دبیر شورای عالی مناطق آزاد در اظهاراتی با اشاره به اینکه موضوع حذف معافیت‌های مالیاتی مناطق آزاد در هیچ محفل رسمی دولتی و قانون‌گذاری مطرح نیست، مدعی شد: برخی افراد خودشان را کارشناس معرفی می‌کنند، اما درباره معافیت مالیات بر ارزش افزوده نکاتی می‌گویند که مشخص است موضوعات را با هم خلط کرده‌اند.

مرتضی بانک در ادامه ادعای خود افزود: با حذف معافیت مالیات بر ارزش افزوده، اعتماد سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی از بین می‌رود، قیمت تمام‌شده کالا برای صادرات افزایش می‌یابد، ۹ درصد به میزان سرمایه در گردش فعالان اقتصادی اضافه می‌شود. این‌ها موضوعاتی است که نظام مناطق آزاد را دچار خدشه کرده و سیاست‌ها و اهداف را زیر سؤال می‌برد.

این در حالی است که برخلاف اظهارات دبیر شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، صادرات کالا شامل پرداخت مالیات بر ارزش‌افزوده نیست و از قضا رویکرد مصرف‌گرایانه فعلی مناطق آزاد را به صادرات‌محوری تغییر می‌دهد. از طرفی بررسی اهداف قانون مالیات بر ارزش‌افزوده حاکی از لزوم اجرای قانون مالیات بر ارزش‌افزوده در مناطق آزاد است؛ چرا که شفاف‌سازی تدریجی مبادلات، مبارزه با اقتصاد زیرزمینی، تشویق صادرات و کاهش مصرف‌گرایی از نیازهای مبرم مناطق آزاد پس از اعطای معافیت مالیات بر ارزش‌افزوده در ۱۱سال گذشته است.

عواقب نگران‌کننده حتمی قلمداد کردن ایجاد مناطق آزاد و ویژه جدید

مرور آنچه بیان شد، درپی پیامدهای پیش‌داوری و قطعی قلمداد کردن ایجاد مناطق جدید آزاد و ویژه از سوی برخی مسئولان، نگرانی‌های جدی ایجاد می‌کند؛ نگرانی از جنس گره زدن رفع مشکلات معیشتی مرزنشینان و ایجاد توسعه در مناطق کمتر توسعه‌یافته به آغاز به کار مناطق آزاد و ویژه.

شواهد نشان‌گر آن است، در صورت عدم تحقق وعده‌ها (با وجود رویکرد تمام شده دانستن ایجاد مناطق آزاد و ویژه جدید)، برای مواجهه با ایجاد نارضایتی و تحمیل هزینه‌های مربوطه به آن (نظیر ماجرای بنزین) تدبیری وجود ندارد. بماند که عملکرد مناطق آزاد تجاری- صنعتی و ویژه اقتصادی فعلی هم در تحقق اهداف تأسیسشان وامانده‌اند و ارائه گزارش قابل دفاع از عملکرد مناطق فعلی در ازای مشوق‌های اعطا شده بر هرگونه طرح توسعه‌ای در تنگنای اقتصادی فعلی تقدم دارد.

ضربه مهلک به تولید ملی و اشتغال

همچنین چند روز پیش دبیر قرارگاه ملی مبارزه با مفاسد اقتصادی در نامه‌های جداگانه‌ای به دبیران شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، با یادآوری مغایرت‌های قانونی لایحه افزایش مناطق آزاد، خواستار جلوگیری از تصویب نهایی این لایحه شد و تصویب آن را ضربه مهلک به تولید ملی و اشتغال دانست.

داود گودرزی در دو نامه خود که متن مشابه داشت خطاب به آیت‌الله جنتی، دبیر شورای نگهبان و محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام نوشت: همان‌گونه که مستحضرید نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته در تصمیمی تامل‌برانگیز اقدام به تصویب ۸ منطقه آزاد تجاری صنعتی و ۱۰۲ منطقه ویژه اقتصادی نموده‌اند! این در حالی است که همزمانی تصویب چنین افزایش بی‌سابقه‌ای در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با اغتشاشات اخیر در کشور (که همه توجهات را به سمت خود جلب کرده است) و همچنین قطع بودن اینترنت و اختلال در اطلاع‌رسانی، شائبه‌های بسیاری را به ذهن متبادر می‌کند.

سال گذشته بود که پس از کش‌وقوس‌های فراوان، لایحه افزایش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی که دولت پیشنهاد ۸ منطقه آزاد و ۱۶ منطقه ویژه را داده بود نهایتا با ۹۰ منطقه ویژه اقتصادی جدید (الحاقی توسط نمایندگان مجلس) در شهریور ۱۳۹۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید اما به دلیل ابهامات مطرح‌شده از سوی شورای نگهبان و اعلام مغایرت با سیاست‌های کلی از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجدد به مجلس بازگشت. مجمع تشخیص با توجه به بندهای ۱۱ و ۱۷ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و بند ۱ جز «د» سیاست‌های کلی آمایش سرزمینی، این مصوبه را مغایر با سیاست‌های کلی نظام دانسته و بر اصلاح آن تاکید نمود.

دبیر قرارگاه ملی مبارزه با مفاسد اقتصادی: تصویب چنین لایحه‌ای علاوه بر ضربه مهلک به تولید و اشتغال ایرانی و همچنین تسهیل قاچاق کالا و ارز، به سبب گسترش وسیع چتر مناطق آزاد باعث از دست رفتن منابع درآمدهای مالیاتی می شود.

نهایتا پس از گذشت یک‌سال، لایحه افزایش مناطق آزاد تجاری صنعتی و مناطق ویژه اقتصادی بدون اصلاحات اساسی در تاریخ ۲۷ آبان ۹۸ در آستانه انتخابات مجلس یازدهم و به‌صورت دفعی و خارج از روال دستورات مجلس در فضای خالی از رسانه و افکار عمومی در صحن علنی مجلس به تصویب رسید.

تصویب چنین لایحه‌ای علاوه بر ضربه مهلک به تولید، اشتغال و کارگران ایرانی و همچنین تسهیل قاچاق کالا و ارز، به سبب گسترش وسیع چتر مناطق آزاد باعث از دست رفتن منابع درآمدهای مالیاتی می‌شود که در شرایط خطیر کشور که درگیر تحریم‌های ظالمانه از سوی دشمنان هستیم و درآمدهای نفتی به حداقل رسیده است می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری را بر جای بگذارد.

لذا مستدعی است تا با توجه به جنگ اقتصادی همه‌جانبه دشمنان این مرز و بوم علیه ایران اسلامی، بار دیگر طی اقدامی انقلابی تدبیری اتخاذ فرمایید تا از تصویب این لایحه جلوگیری به عمل آید.

در ادامه اسناد و سیاست‌هایی که گسترش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی با آنها مغایرت دارد آورده شده است:

اسناد و سیاست‌های مرتبط با لایحه و طرح افزایش مناطق آزاد و ویژه اقتصادی:

• بند ۱۷ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی: «اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی». (مرتبط با معافیت مالیاتی در مناطق آزاد)

• ماده ۶ قانون برنامه ششم توسعه: «به‌منظور تحقق صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی، اصلاح نظام درآمدی دولت و همچنین قطع وابستگی بودجه به نفت تا پایان اجرای قانون برنامه ششم: برقراری هرگونه تخفیف، ترجیح یا معافیت مالیاتی جدید طی سال‌های اجرای قانون برنامه ممنوع است.» (مرتبط با معافیت مالیاتی در مناطق آزاد)

• بند ۱۷ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی: شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و.... (مرتبط با معافیت‌ها و مقررات ارزی مناطق آزاد)

• بند ۷ سیاست‌های کلی تولید، حمایت از کار و سرمایه ایرانی: مدیریت منابع ارزی با تأکید بر تأمین نیازهای تولید ملی و کارآفرینی، و ثبات ارزش پول ملّی. (مرتبط با معافیت‌ها و مقررات ارزی مناطق آزاد)

• بند ۹ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه: اعمال نظارت کامل و فراگیر بانک مرکزی بر بازار و مؤسسات پولی، بانکی و اعتباری و ساماندهی مؤسسات و بازارهای غیرمتشکل پولی و مالی در جهت ارتقاء شفافیت و سلامت و کاهش نسبتِ مطالبات غیرجاری به تسهیلات. (مرتبط با معافیت‌ها و مقررات ارزی و بانکی در مناطق آزاد)

همچنین عدم اصلاح قوانین مالیاتی در مناطق آزاد از جمله مالیات بر ارزش افزوده و عدم اجرای دقیق سایر مقررات در مناطق آزاد نظیر استقرار گمرک جمهوری اسلامی ایران، راه‌اندازی سامانه انبارها، معافیت واردات کالای تجاری به کشور، ثبت سفارش ورود کالا، ارائه اظهارنامه مالیاتی با نرخ صفر و تبادل اطلاعات، نگرانی‌ها درخصوص ادامه فعالیت و گسترش مناطق آزاد را افزایش می‌دهد.

آفات معطلی اقتصاد به بهانه گشایش از خارج

هر چند اقتصاد ایران از همان ابتدای انقلاب تحت تحریم‌های شدید دشمنان خود به‌ویژه آمریکا بود، اما از سال ۱۳۹۰ به بعد شکل و حجم و فشار این تحریم‌ها تغییر کرد و تبدیل به یک «جنگ تمام‌عیار اقتصادی» شد.

سیاستگذاران، کارشناسان و مسئولان راه‌های متفاوتی را پیش روی کشور متصور شدند، عده‌ای چون تصورشان از تحریم امری زمان‌دار و قابل رفع بود سیاست اصلی را در دور زدن تحریم‌ها می‌دیدند. گروهی چون اثرگذاری تحریم‌ها را ناشی از مشکلات و ضعف‌های تاریخی- ساختاری می‌دیدند، چاره کار را توجه به داخل و خودکفایی اقتصادی می‌دانستند و بعضی هم مذاکره با غرب را اکسیر شفابخش اقتصاد ایران می‌دانستند.

رهبر انقلاب از همان ابتدا ۲ سیاست عمده را مورد تأکید قرار دادند و در مقاطع مختلف این ۲ مورد را به مسئولان گوشزد نمودند. ایشان ضمن تشویق مسئولان به تعامل با کشورهای گوناگون و محدود نکردن رابطه با کشورهای محدود اروپایی، سیاست توجه به همسایگان و شرق را مطرح نمودند تا همه تخم‌مرغ‌های سبد اقتصاد و دیپلماسی در یک سبد قرار نگیرند. از طرفی محور و ستون ساخت اقتصاد کشور را توجه به داخل و ساخت کشور از درون بیان کردند. این دو بال همان چیزی است که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با عنوان «درون‌زایی» و «برون‌گرایی» به آنها اشاره شده است.

متأسفانه بی‌تحرکی غربی‌ها در مقابل خروج آمریکا از برجام و عدم جبران تعهدات برجامی از یک‌سو و چشم امید داشتن برخی‌ها در داخل به انجام تعهدات توسط غربی‌ها، اقتصاد کشور را دستخوش انفعال کرد. از دیدگاه اقتصاد سیاسی اصولا انفعال و منتظر ماندن برای گشایش در حوزه اقتصادی چندین پیامد دارد:

۱- بازار داخلی را ملتهب می‌کند

وقتی رفتار کنشگران اقتصادی در یک جامعه وابسته به انجام اقدامی خارجی می‌شود، اقتصاد آن کشور به جای اثرپذیری از عوامل حقیقی اقتصادی مانند سطح تولید و اشتغال و... تا حدی وابسته به خارج از کشور می‌شود. انعکاس این اتفاق در اقتصاد به‌صورت نوسانات بالا در حوزه ارز، سکه و بازار سرمایه خواهد بود که در نهایت می‌تواند خود این التهاب، علامت بی‌ثباتی را به خارج از کشور منتقل کند و حجم سرمایه‌گذاری خارجی را کاهش دهد.

۲- ابزار تحریم را موثر می‌کند

وقتی فردی سالم با یک‌سری محدودیت در امور روزمره خود مواجه می‌شود، دامنه حرکات او کاهش می‌یابد، حال اگر همین فرد بیماری خاصی هم داشته باشد، احتمال اینکه محدودیت رفته رفته فرد را فلج کند وجود دارد. اقتصاد ایران به‌عنوان اقتصادی که از دیر باز با مشکل نفتی بودن سرکار دارد، در شرایط فعلی با محدودیت تحریم دست و پنجه نرم می‌کند. انفعال و بی‌تحرکی اقتصادی می‌تواند رفته رفته عضلات اقتصادی کشور را فلج کند و این اقدام رفته رفته ابزار تحریم را موثر نماید.

۳- قدرت اقتصادی و رقابت را ضعیف می‌کند

رقبای اقتصادی کشور در هر حوزه‌ای، منتظر گشایش غربی‌ها برای ما نمی‌مانند و با غنیمت شمردن فرصت، هر روز با انجام اصلاحات اقتصادی و نفوذ در بازارهای سنتی ایران، جای ما را می‌گیرند. به عنوان نمونه، در چندین کالا کشورهایی مانند افغانستان، ترکیه و... بخشی از سهم ما را در بازارهای منطقه و جهان کاهش داده‌اند.

ظرفیت‌های بر زمین مانده اقتصاد ایران

ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خوبی در اقتصاد ایران وجود دارد که تاکنون نسبت به فعلیت رساندن و بهره‌برداری حداکثری از آنها اقدامات کافی انجام نشده است. برخی از اقدامات مهم برای فعال کردن و استفاده از این ظرفیت‌ها را این‌چنین می‌توان برشمرد:

۱- تسهیل‌گری در حوزه کسب و کار

در کشورهای جنوب شرق آسیا مانند اندونزی، تایوان، مالزی - که از لحاظ منابع بسیار از ایران ضعیف‌تر هستند- با ثبات بخشی به سیاست‌های پولی و مالی و انجام اصلاحات و سیاست‌هایی، فضای کسب و کار از حیث فرآیندهای صدور مجوز برای راه‌اندازی، نظارت، زیرساخت تولیدی و... به نحوی سامان یافت که در طی کمتر از یک دهه هم مشارکت اقتصادی مردم بالا رفت و هم سرمایه خارجی زیادی جذب شد. اگر طی ۵ سال گذشته دولت با حذف بروکراسی‌ها و قوانین دست و پا گیر، تحولی در فضای کسب و کار به‌وجود می‌آورد، هم مشارکت مردم در اقتصاد بالاتر از سطح فعلی بود و هم در اثر رونق به‌وجود آمده سرمایه‌گذاران بیشتری ترغیب به حضور در بازار ایران می‌شدند.

۲- توسعه دیپلماسی اقتصادی با همسایگان

در حال حاضر کشورهای همسایه ایران دارای بازار ۲۰۰۰ میلیارد تومانی هستند که سهم ایران در این بازار کمتر از ۲ درصد است. اگر سهم ایران از بازارهای منطقه در طی این ۵ سال تنها یک درصد افزایش می‌یافت، علاوه‌بر درآمد سرشار این حوزه، ظرفیت ایجاد بیش از ۵ میلیون شغل را داشت.

۳- تقویت پایه‌های اقتصاد بدون نفت

اقتصاد ایران بستر و ظرفیت خوبی برای تحقق اقتصاد منهای نفت دارد:

می‌توان از طریق قرار داشتن در موقعیت ویژه از حیث جغرافیای اقتصادی و سیاسی، دارا بودن منابع و معادن سرشار، غنی و متنوع، تهاتر نفت با خدمات فنی و مهندسی به توسعه حمل و نقل ریلی و ایجاد بندرگاه‌های بزرگ و نهایتا تکمیل کریدور شمال به جنوب و شرق به غرب پرداخت و درآمد بالایی را از این طریق به‌دست آورد. بسیاری از کارشناسان درآمد اقتصاد از این حوزه را معادل و حتی بیشتر از درآمد نفتی کشور می‌دانند.

می‌توان با تکیه بر ماده ۱۶۹ قانون مالیات‌های مستقیم، نظام یکپارچه اطلاعات مالیاتی، پایگاه اطلاعات هویتی، عملکردی و دارایی مؤدیان مالیاتی را شکل داد و نسبت به اخذ مالیات‌هایی مانند مالیات بر عایدی سرمایه، مالیات بر خانه‌های خالی، مالیات بر ثروت و... اقدام کرد، اگر این مهم عملی می‌شد امروز کشور هیچ نیازی به درآمد نفتی نداشت و ابزار تحریم‌ها کُند و بی‌اثر می‌شد.

می‌توان از طریق ایجاد زیرساخت شبکه‌های مالی- تجاری با کشورهای تحریم شده و هم جهت (مانند زیرساخت سوئیفت) سیستم جایگزینی برای پیام‌رسانی مالی و مبادلات پولی مانند پیمان دوجانبه و... به‌وجود آورد و تحریم‌پذیری خود را در اقتصاد جهانی به صفر رساند.

می‌توان از طریق توسعه پتروپالایشگاه‌های کشور نفت را به داخل تزریق کرد و علاوه بر سود چندین برابری از فروش محصولات پتروشیمی، هم از خام‌فروشی کشور کاست و هم علاوه بر ایجاد اشتغال، تحریم نفتی را برای همیشه از بین برد و...

واقعیت این است که قابلیت انجام کارهای زیادی در اقتصاد ایران وجود دارد و امید است با انجام اصلاحات ساختاری در نظام بودجه، بیمه، بانک، گمرک و مالیات بخش عمده‌ای از مشکلات کشور با ظرفیت نیروهای داخلی سامان یابند و کشور شاهد تحرک و تحولات قابل اعتنایی در حوزه اقتصادی باشد.

محمد عندلیب

مقصر بیکاری

اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

درحالی‌که ایجاد اشتغال یکی از وظایف دولت در قانون اساسی اعلام شده و این روزها خیلی‌ها یا بیکارند یا زمینه شغلی مناسبی برای آنها فراهم نشده رئیس‌جمهور مدعی است: دولت نباید شغل ایجاد کند بلکه زیرساخت‌ها را آماده می‌کند و اگر کسی بیکار باشد مقصر خودش است.

این اظهارات رئیس‌جمهور درباره بحث بیکاری واشتغالزایی در حالی است که مطابق اصل ۲۸ و ۴۳ قانون اساسی، یکی از وظایف اصلی دولت‌ها در کشور ایجاد شغل برای جوانان است.

اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان‌اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

همچنین در اصل ۴۳ قانون اساسی آمده است: برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱ ــ تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲ ــ تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به‌صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

۳ ــ تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴ ــ رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

۵ ــ منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

۶ ــ منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷ ــ استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به‌نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۸ ــ جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹ ــ تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

اشتغال جوانان مطالبه‌ای است که دولت‌های مختلف درخصوص آن اظهارنظرهای مختلفی انجام داده و طرح‌های مختلفی نیز ارائه کرده‌اند، البته بماند که اکثر این طرح‌ها تکراری و مشابه طرح‌های قبلی بوده و هیچ وقت نتیجه مطلوبی در کاهش نرخ بیکاری نداشته است، اما حداقل این بوده است که به‌عنوان دغدغه‌ای از سوی دولت‌ها مطرح شده است.

مستقیم‌ترین نتیجه بیکاری، از دست دادن درآمد است. فشار اقتصادی برای کسانی که فاقد کارند بسیار زیاد است. امنیت شغلی هر شهروند به‌میزانی که بتواند از سطح زندگی متعارف و متعادل در همه جنبه‌ها برخوردار باشد، مصداق تحقق حقوق شهروندی در اقتصاد و مدیریت اسلامی است. زمانی که این برخورداری در بخش زیادی از جامعه نباشد، دولت مطابق قانون اساسی وظیفه دارد که به حمایت در این بخش بپردازد. این حمایت برای جوانان از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است، چرا که بخش زیادی از جامعه بیکاران را جوانان تشکیل می‌دهند.

در همین راستا هم مسئولان همواره وعده ایجاد شغل و حل معضل بیکاری را در آستانه هر انتخابات می‌دهند. حسن روحانی هنگام انتخابات نیز وعده‌هایی درباره ایجاد شغل داد.

وی در وعده‌های انتخاباتی خود گفته است:

ـ ایجاد شغل نباید با وام باشد که بیکار تبدیل به بیکار بدهکار خواهد شد.

ـ همین کارخانه‌های موجود در کشور اگر به‌جای ۲۰ درصد توان با ۶۰ درصد توان کار کنند، بخش عظیمی از مشکلات اشتغال‌زایی در کشور برطرف می‌شود.

ـ برنامه اقتصادی من حل معضل اشتغال به‌خصوص برای تحصیل‌کرده‌ها است.

ـ اساس سیاست من بالا بردن ثروت ملی و رونق تولید و اشتغال و بهبود فضای کسب‌وکار و توزیع عادلانه ثروت است.

موارد فوق بخشی از وعده‌های انتخاباتی روحانی در زمینه ایجاداشتغال است.

دولت‌ها در دوره‌های مختلف با تبلیغات جدید به‌دنبال تدوین طرح‌هایی در حوزه اشتغالزایی بوده‌اند که وجه مشترک تمام طرح‌ها پرداخت تسهیلات است.

تجربه نشان می‌دهد شیوه دولت‌های هفتم و هشتم، نهم و دهم برای‌اشتغال‌زایی و مقابله با بیکاری کاملاً شبیه به هم بوده و تنها تفاوت آن چگونگی تبلیغات برنامه‌های‌اشتغال‌زایی از سوی این دولت‌ها بوده است.

طی دو دهه گذشته کشور شاهد اجرای برنامه‌های اشتغالزایی کوتاه‌مدت، ضربتی و مقطعی بودیم که عمر فعالیت آنها محدود به دوران فعالیت دولت‌ها بوده است، یعنی همزمان با تغییر دولت‌ها طرح‌های اشتغال‌زایی بایگانی و با آمدن دولت بعدی از سر گرفته می‌شود.

کارشناسان اقتصادی یکی از دلایل پایین نیامدن نرخ بیکاری در کشور را سیاست پرداخت وام در طرح‌های اشتغالزایی می‌دانند و معتقدند که با پرداخت تسهیلات مشکل‌اشتغال حل نمی‌شود.

کارشناسان اقتصادی معتقدند در فضای موجود اقتصاد و بازار کار کشور، پرداخت تسهیلات بنگاه‌های کوچک و زودبازده برای جوانان یک فرصت محسوب می‌شود؛ اما اکتفا به پرداخت این تسهیلات نباید به این معنی باشد که فکر کنیم مشکل‌اشتغال کشور حل شده است.

تأکید رئیس‌جمهور بر سیاست ناموفق «پرداخت تسهیلات» برای اشتغالزایی

شاخص‌های بازار کار نشان می‌دهد که سیاست‌های اشتغالزایی در سه دولت گذشته که بر «پرداخت وام و تسهیلات بانکی» متکی بوده است، موفق نبوده‌اند، با این حال دولت یازدهم و دوازدهم نیز این سیاست را دنبال کرد و همواره این سیاست ناموفق بود. علی‌رغم اینکه کارشناسان اعتقاد دارند که پرداخت تسهیلات تنها برای‌اشتغالزایی مؤثر نیست و در برخی موارد بیکار را به بیکار بدهکار تبدیل می‌کند، رئیس‌جمهور در سخنرانی چند روز پیش خود در یزد بیان کرد: دولت نباید شغل ایجاد کند بلکه زیرساخت‌ها را آماده می‌کند و بانک‌ها نیز تسهیلات را ارائه می‌دهند پس اگر کسی بیکار باشد مقصر خودش است!

منبع: تسنیم

وضعیت نرخ سود بانکی در آمریکا و اروپا

بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸ در آمریکا و اروپا، بانک‌های مرکزی در این دو حوزه پولی اقدام به افزایش کم‌سابقه نقدینگی کرده تا از آن طریق بتوانند با رکود حاصل از وقایع آن دوران مقابله کنند. این اقدامات که از آنها به‌عنوان سیاست‌های انبساطی یاد می‌شوند اصولا با افزایش دسترسی فعالان اقتصادی و شرکت‌ها به پول یا وام بانکی سبب رونق‌بخشی به اقتصاد از طریق افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات و لذا افزایش تولید ناخالص ملی می‌شوند.

با این حال سیاست‌هایی از این قبیل در درازمدت عواقب منفی نیز از خود به جا می‌گذارند. از همه مهمتر دسترسی آسان به منابع مالی برای شرکت‌های تولیدی سبب کاهش بهره‌وری و رقابت‌پذیری آنها شده و در درازمدت به کاهش کیفیت محصولات تولیدی و کاهش سطح فناوری می‌انجامد. به اضافه آن دسته از شرکت‌ها که رقابت‌پذیر نیستند و در شرایط عادی قادر به ادامه بقا نمی‌باشند با وجود این منابع مالی به حیات خود ادامه داده و منابع محدود مالی، طبیعی و انسانی در اقتصاد بیش از پیش به هدر می‌روند.

بدون شک این‌گونه سیاست‌های انبساطی یا به زبان ساده‌تر چاپ پول در ایران نیز همواره به کار گرفته شده و نتایج حاصل از آنها بسیار شبیه به توضیحات بالا هستند. اما در آمریکا و اروپا این سیاست‌ها به تازگی و همان‌طور که ذکر شد تنها بعد از وقایع بحران مالی ۲۰۰۸ ظهور کرده و به‌کار گرفته شدند. به همین ترتیب نیز عواقب منفی ذکر شده کم کم در حال نمایان شدن هستند. به‌عنوان مثال در حوزه پولی یورو، کار به جایی کشی